

چهارمین فرمان: روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی

نویسنده: عبدالملک

برگردان: کشیش بانئ پال نت نیل

«روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی. شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را به جا آور، اما روز هفتمین سبت یهوه خدای توست. در آن هیچ کار مکن، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه‌ات و مهمان تو که درون دروازه‌های تو باشد. زیرا که در شش روز خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست به ساخت، و در روز هفتم آرام فرمود. از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده، آن را تقدیس نمود» (خروج ۲۰: ۸-۱۱).

۱. روز استراحت برای ستایش آفریننده

برای یهودیان، روز سبت یکی از نشانه‌های عهد و پیمان با خداست. مقرر شدن این روز برای پرستش، قوم اسرائیل را در عهد عتیق از سایر قومها برجسته می‌ساخت. کسانی که خدا با آنان پیمان گهنه را بست، تا به امروز همچنان آخرین روز هفته را مقدس می‌شمارند و در آن مانند سایر روزها کار نمی‌کنند. آنها آتش روشن نمی‌نمایند و به سفر دراز نمی‌روند. بلکه لباسهای تازه‌ای را می‌پوشند که برای روزهای جشن نگه داشته‌اند. روز سبت برای شادی مردمی در نظر گرفته شده است که برای پرستش گرد هم می‌آیند تا بخشهای برگزیده از تورات را بخوانند و در حالت ستایش درباره آنها گفتگو کنند.

در روز خداوند، ایمانداران نسبت به روزهای دیگر باید وقت بیشتری را با خدا بگذرانند. کانون توجه آنها باید خود خداوند باشد و لازم است که این کار را با افکار و قلبهایشان انجام دهند، زیرا او خالق، نجات دهنده و پشتیبان آنهاست. باید کاری کنیم که در این روز، راه و رسم ما خواندن کتابمقدس، شنیدن سخنرانی خوب و شرکت کردن در دعا همراه با سرودهای پرستشی باشد. این کار ما را در بین خستگی سفر صحرائی که در بقیه روزهای هفته داریم، تسکین می‌دهد و بر پا نگه می‌دارد. با این همه، نه انسان و نه استراحت او بلکه خود خداوند کانون توجه چنین روزی است. بدین ترتیب سبت روز خداوند شده است. او این روز را شایان توجه ویژه ساخته، تقدیس و مبارک نموده است. روز خداوند هدیه ارزشمند خدا به آفریدگان اوست.

تقدیس نمودن سبت یعنی آفریننده‌ای را می‌پرستیم که آسمانها و زمین، ستارگان، خشکی و درختان را با کلام قدرتمندش آفرید. او ماهیان، پرندگان و تمام جانوران کوچک و بزرگ را خلق کرد. آفرینش او در خلقت انسان که به صورت خدا بود، به اوج خود رسید. در این آفرینش، هر مخلوقی یک معجزه است که با حکمت و توانایی به شیوه‌ای بی‌همتا ساخته شده است. دانشمندان توانسته‌اند تنها اندکی از رازهای بدن انسان، توانمندی‌ها و فرازندگی روحش را

پاسخ‌یابی کنند. کارهای خدا چه قدر شگفت‌انگیز است! و اگر آفرینش او بسیار زیباست، پس چه قدر بیشتر خود خالق باید زیبا باشد! زبان انسان نمی‌تواند بزرگی، شکوه و قدرت مطلق او را به‌گونه کامل بیان کند. او سزاوار ستایش و پرستش از جانب همه آفریدگان خود است.

هنگامی خدا استراحت کرد که رسید به هدفهایی که در آفرینش داشت. از کار کردن نبود که او خسته شد، زیرا خدای توانا بر همه چیز، خسته نمی‌گردد، نه چرت می‌زند و نه به خواب می‌رود. آرامی گرفتن خدا نشانه این بود که از کارش خشنود شد، و از شگفتی‌های بزرگ و بی‌شمار که آفریده بود شادمان گردید، و آنها را بسیار نیکو یافت. برای ما مناسب است که خدا را هر روز بپرستیم و به‌ویژه در روز خداوند بابت معجزات ژرف و غیر قابل فهم او در آفریدگانش، ستایش نماییم.

۲. نیاز به استراحت در سبت

در جریان روز سبت، این افتخار را داریم تا در استراحت آسمانی خدا که برای ما در نظر گرفته است، سهیم باشیم. او به ما فرصتی داده است برای سکوت عمیق و پرستش. این آرام گرفتن درونی و بیرونی در برابر خداوند، کلیدی است برای تندرستی ما. هیچ‌کس نمی‌تواند این قانون را بشکند و مجازات نگردد. ملتهایی مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق یا شرکتهای بسیار بزرگ در کشورهای غربی در تلاش برای کنار گذاشتن روز خداوند، آرامش فکر خود را از دست دادند. کسانی که این روز را نادیده می‌گیرند و آن‌قدر گرفتار کارهای خود هستند که با شتاب از کنار آنچه دارای اهمیت است می‌گذرند، جلال خداوند را که در آفرینش وجود دارد درک نمی‌کنند. آنها توانایی ژرف اندیشی را از دست داده‌اند، و از آن پس، تمام کارهایشان در جریان هفته دچار مشکل خواهد شد. همه کس، حتی جانوران نیاز به کمی استراحت دارند، و خلقت نمی‌تواند قوت خود را بازیابد بدون اینکه نخست در برابر خدا آرام گیرد. هرگز نباید فرمان خدا را درباره تقدیس روز سبت نادیده بگیریم. می‌توانیم ببینیم که این فرمان در خصوص ۳۵ یا ۴۰ ساعت کار در هفته سخن نمی‌گوید، بلکه درباره ۶ روز کار سخت و طاقت‌فرسا. ولی هفتمین روز کاملاً برای خداوند است. کتاب مقدس به ما آموزش می‌دهد که زندگی عاطل و باطل داشتن سرآغازی برای تمام کارهای زشت و گناه‌آلود است، و کار روزانه برای انسان سودمند می‌باشد.

عیسی ما را تشویق می‌کند تا گاه و بی‌گاه بایستیم و درباره سوسنهای دشت و سایر گلها تفکر کنیم و ببینیم که چگونه رشد می‌نمایند. آیا توجه کردید که چه قدر طول می‌کشد تا آنها شکوفه کنند، برگها رشد نمایند تا زمانی که میوه دهند؟ بایستید و چشمان خود را بگشایید. شروع کنید به دانستن قدرتها و قانونهای طبیعت، سپس در ورای آنها آفریدگار حکیم و نیکویی پدرا نه او را خواهید دید. عیسی پیشنهاد کرد تا شکوه و جلال گلها را در رنگهایی که دارند با درخشش لباسهای ثروتمندان مقایسه کنیم؛ تا بتوانیم تشخیص دهیم که حتی پادشاهان و شاهزادگان نیز آراسته نشدند به زیبایی این گلها بسیار مختلف که به‌زودی پژمرده و نابود می‌گردند. خود انسان از همه مخلوقات خدا زیباتر است، و چهره او تنها اندکی از جلال و شکوه خدا را می‌رساند. آه، چه می‌شد اگر روش زندگی خود را دگرگون می‌ساختیم، از شتاب‌زدگی دست بر می‌داشتیم و به فکر کردن وقت می‌دادیم! هنگامی که این کار را انجام بدهیم، توسط زیبایی شگفت‌انگیز آفرینش برانگیخته خواهیم شد تا خدا را سپاس گوئیم و ستایش نماییم. شوربختانه، برنامه‌های زننده تلویزیونی وجود دارد که هرزه‌نگاری و خشنوت را نشان می‌دهد؛ و این در حالی است که خدا میل دارد چشمانمان را در بهار، تابستان، پاییز و زمستان باز کنیم و شگفتی‌هایی را ببینیم که او آفرید و به تنهایی محافظت کرد.

زمانی که خداوند به ما فرمان می‌دهد تا سَبْت را نگه داریم، او می‌خواهد که این روز از سایر روزها جدا باشد تا انسان بتواند برای یادگیری زندگی در حضور وی آن را به‌کار ببرد. تقدیس نمودن روز خداوند نه تنها استراحت کردن یا شنیدن و خواندن سخنان خداست، بلکه بازگشت به سوی او با تمام قلبمان نیز هست تا بتواند ما را دگرگون سازد و از نیکویی‌اش لبریز نماید. او قدوس است، و دوست دارد که ما هم مقدس باشیم. پس بیایید به سوی نور محبت او پیش برویم و جلالش را نشان دهیم، زیرا تجدید حیات و نوسازی درون بدون سکوت و آرام گرفتن در حضورش ممکن نیست.

۳. برداشت نادرست از سَبْت

روز سَبْت از فساد مردم در عهد عتیق جلوگیری می‌کرد و آنها را از سایر ملتهایی جدا می‌ساخت که دور و برشان بودند و خدایان بسیار را پرستش می‌نمودند. تمرکز و توجه به روز خداوند همچنین آنها را برای آمدن مسیح، نجات دهنده جهان آماده می‌کرد. البته سَبْت به خودی خود نمی‌توانست دگرگونی، حفاظت یا تازگی ایجاد کند برای ایماندارانی که آن را نگه می‌داشتند. از دید خدا همه انسانها در برابر او ضعیف، شرور و ناشایست هستند. هیچ قانونی توانا بر دگرگون ساختن بشر نیست، و سَبْت نمی‌تواند انسان را از گناهانش آزاد سازد. ولی می‌تواند از لغزش او به سوی خداناباوری جلوگیری کند. در عهد جدید روز خداوند را برگزار نمی‌کنیم تا فیض خدا را به دست آوریم، بلکه او را شکر می‌کنیم زیرا ما را آفرید. او بدن انسانی بر خود گرفت و در مسیح به نزد ما آمد و بیشتر از پدری که نگران فرزندانست، ما را دوست دارد. از این روست که او را محبت می‌کنیم و احترام می‌گذاریم. نگه داشتن قانون خدا، ما را از گناهانمان رهایی نخواهد داد، بلکه راز رستگاری و تجدید حیات ما در فیض خداست. هر که بخواهد به وسیله قانون خدا پارسا شمرده شود، با همان قانون محکوم خواهد شد. ولی اگر شما دست عیسی را بگیرید که به سوی شما دراز شده است، او شما را هدایت و از هرگونه محکومیتی محافظت خواهد کرد.

در روز هفتم خدا آرام گرفت و به کارش نگاه کرد. او دید که همه چیز بسیار نیکو بود. با این همه، مقدس بودن روز آرامی برای خدا با نافرمانی انسان و افتادنش در گناه پایان یافت. خدا از استراحت باز ایستاد و از آن پس تا کنون، روز و شب کار کرده تا بتواند آفریدگان گمشده خود را رستگار سازد. او بیان می‌کند: «با خطاهایتان مرا خسته کرده‌اید» (اشعیا ۴۳ : ۲۴ از برگردان تفسیری). عیسی این نکته را تأیید کرد: «پدر من تا کنون کار می‌کند، و من نیز کار می‌کنم» (یوحنا ۵ : ۱۶). خدا به شدت درباره ما و گناهان زشت‌مان نگران است، ولی خدا را سپاس می‌گوییم که رستگاری برای تمام گناهکاران از راه قربانی نیابتی مسیح وجود دارد. هر که به بره خدا ایمان آورد بنا بر قانون خدا داوری نخواهد شد، بلکه درحقیقت با خون عیسی کاملاً پارسا شمرده خواهد شد. عیسی مُرد و درست پیش از روز سَبْت مدفون گردید. او در روز آرام گرفتن خدا، در قبر یک مرد ثروتمند استراحت کرد. او در نخستین روز هفته از میان مردگان برخاست، و بدین ترتیب خدا حتی شرایط روز سَبْت را هم اجرا کرد. از راه برخاستنش از مردگان، او یک روز نوین را مقرر داشت تا نماد آفرینش تازه‌ای باشد که از فیض خدا و قدرت روح القدس رشد و نمو پیدا می‌کند، نه از داوری و محکومیتی که بنا بر قانون خداست.

۴. آیا مسیحیان حق دارند یکشنبه را به جای شنبه تقدیس نمایند؟

بیشتر اوقات، یهودیان و ادونتیست‌های روز هفتم، مسیحیان را متهم می‌کنند که چهارمین فرمان را نادیده می‌گیرند. آنها پیشگویی می‌کنند که غضب خدا بر پیروان مسیح نازل خواهد شد، زیرا آنان یکشنبه را به جای شنبه درحکم روز

استراحت نگه می‌دارند. ولی عیسی گفت که او خودش خداوندِ روزِ سَبَت بود. پسر انسان همه خواسته‌های سَبَت را از جانب ما به‌جا آورد و آن روز را به پایان رساند و تمام کرد. عیسی قانون جدید برای تقدیس کردن یک روز، ماه یا سال ویژه نداد. او پیروانش را رستگار ساخت و تقدیس کرد. انسان نه تنها باید در روزِ سَبَت و در جریان جشنهای ویژه خدا را بپرستد، بلکه لازم است که هر روز این کار را انجام دهد. به همین دلیل است که چرا عیسی اشخاص را تقدیس می‌کند و نه روزها را: «آنچه کنید در قول و فعل همه را به نام عیسای خداوند بکنید و خدای پدر را به‌وسیله او شکر کنید» (کولسیان ۳ : ۱۷). هر کاری که با هدایت روح‌القدس انجام می‌دهیم یک گونه از پرستش خداست. یک روز کم ارزش‌تر از روز دیگر نیست. عیسی ما را با خون گرانبهایش پارسا شمرد و به‌وسیله روح‌القدس تازه کرد. او مردم را تقدیس کرد نه روزها را. هدف او از آمدن به زمین برآوردن آن چیزی بود که سَبَت نتوانست انجام بدهد: آفرینش مردمان تازه، دگرگون ساختن گناهکاران بد نهاد به پیروان تقدیس شده او، و تبدیل کردن انسانهای خودخواه به خدمتگزاران.

عیسی همه جوانب زندگی روحانی ما را منقلب ساخته است. به همین دلیل است که چرا مسیحیان یکشنبه را که روز برخاستن عیسی از مردگان بود برگزیدند تا اینکه عهد جدید را با آفریدگان تازه او، تقدیس نمایند. ولی عیسی نیز میل دارد که پیروانش استراحت کنند، و درباره این موهبت که بخشی از آفرینش تازه‌اش هستند ژرف‌اندیشی نمایند. او به ما فرمان نداد که یکشنبه را نگه داریم و نه از نگه داشتن سَبَت جلوگیری کرد. قصد او این نیست که محدود به روزها و جشن‌های ویژه باشیم، بلکه آمد تا گناهکاران را نجات بخشد. رستاخیز عیسی همچنین نشانه سرآغاز دوره‌ای تازه است که دیگر زیر قانون محکوم کننده زندگی نمی‌کنیم، بلکه زیر فیض نجاتبخش خداوند قرار داریم. این بدان معنی نیست که مسیحیان مردمانی بی‌قانون هستند. روح مسیح که در ما ساکن است خودش قانون محبت است، و در همان وقت، به ما قدرت می‌بخشد تا آن قانون را انجام دهیم. بدین ترتیب سَبَت نمادِ پیمان ضعیف و ناتوان کهنه است، ولی یکشنبه نشان از پیروزی مسیح دارد که نمادِ پیمان تازه می‌باشد.

برخی ایمانداران در کشورهای اسلامی نمی‌توانند در یکشنبه یا سَبَت استراحت کنند. از این رو، در جمعه گرد هم می‌آیند و می‌دانند که خودِ خداوند با آنهاست درست همان‌گونه که وعده داد: «جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند، آنجا در میان ایشان حاضر» (متی ۱۸ : ۲۰). عیسی در نظر نداشت که روزهای ویژه را برای پرستش تعیین کند، بلکه ترجیح می‌داد ایمانداران را همیشه و در همه جا تقدیس نماید.

۵. بزرگداشتِ یکشنبه

چگونه مسیحیان می‌توانند روز خداوندشان را تقدیس نمایند؟ محبت در آنها انگیزه ایجاد می‌کند تا در یکشنبه‌ها برای پرستش و خواندن کتاب‌مقدس، و ستایش او در مشارکت مقدسان گرد هم بیایند. فرزندان، مهمانان، همکاران و حتی حیوانات در آخورها، باید در روز استراحت و شادی آسمانی رستاخیز، به ما بپیوندند. این شادی را هر یکشنبه به یاد می‌آوریم و در زندگی ما واقعیت پیدا می‌کند و دیده می‌شود. شالوده خوشی مسیحی عمیق‌تر از آن چیزی است که یهودیان دارند. عیسی گفت: «این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد، و شادی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۵ : ۱۱ ، ۱۷ : ۱۳). پولس نیز نوشت: «در خداوند شاد باشید و باز می‌گویم شاد باشید» (فیلیپیان ۴ : ۴). «ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی . . . است» (غلاطیان ۵ : ۲۲). این‌گونه آیه‌ها ماهیت اصلی یکشنبه را به ما نشان می‌دهد. ولی آنها همچنین روحیه کار ما را در جریان هفته توصیف می‌کند؛ و به ما ظاهر می‌سازد که نمونه زندگی در یک خانواده

مسیحی باید چگونه باشد.

آیا باید در یکشنبه کار کنیم؟ مسیحیان مانند سایر مردم، طبیعی‌اند. آنها دارای بدنهایی هستند که خسته می‌شود. به همین دلیل است که نیاز به آرام گرفتن و استراحت دارند. آنها مخلوقات معمولی هستند، ولی در عین حال، فرزندان خدا در روح القدس می‌باشند. بر روی زمین در بدن زندگی می‌کنند، و از دید روحانی در آسمان با مسیح بر تخت نشسته‌اند. آنها روز استراحت را در روبرو شدن با خداوند انکار نمی‌کنند. یکشنبه در آغاز برای به خواب فرو رفتن در نظر گرفته نشد، بلکه برای جلال دادن خدای پدر و ستایش کردن او اختصاص داده شد. این روز متعلق به خداست، و نیازی نیست که کارهای غیر ضروری انجام دهیم. با این همه، اگر زمانی فرا می‌رسد که کارهای محبت آمیز و خدماتی برای رهانیدن دیگران از خطر به‌جا آوریم، نباید شانه خالی کنیم. پارسایی ما بر مبنای انجام دادن قانون خدا نیست، بلکه بر کفاره مرگ مسیح است که مفهوم قربانی کردن در راه دیگران را در قلوب ما القا کرده است. رفتن به پرستش همگانی و سایر گردهمایی‌های روحانی در یکشنبه افتخاری است که برای مسیحیان اختصاص داده شده است. ولی کافی نیست که مسیحیان تنها در یکشنبه خوراک روحانی خود را بخورند، آنها باید همچنین هر روز این کار را بکنند، وگرنه ایمان، محبت و امید در ایشان ضعیف خواهد شد. یکشنبه به ما مجال می‌دهد تا در هم‌نشینی سرود بخوانیم، مانند یک گروه دعا کنیم و اندیشه‌هایمان را با سایر اعضای کلیسا در میان بگذاریم تا یگانگی مسیحی را احساس نماییم. همه باورمندان با یکدیگر بدن روحانی مسیح هستند. هدف اصلی آفرینش تازه این نیست که ایماندار جدا از دیگران باشیم، بلکه مشارکت مقدسان است که به‌ویژه در یکشنبه‌ها دیده می‌شود.

خجسته‌اند کسانی که در یکشنبه به دیدن بیماران، معلولان و فقرا می‌روند. این‌گونه ایمانداران آماده‌اند که از وقت، پول و امکانات خود در جهت یاری رساندن به نیازمندان مایه بگذارند، و هرگز به فکر از دست دادن منافع خود نباشند. روح خداوند ما را هدایت می‌کند که از ساختمان کلیسا بیرون برویم و به دنبال کسی بگردیم که درگناه گمشده است. ما فراخوانده شده‌ایم که آنها را به سوی توبه در مسیح هدایت کنیم، تا اینکه ناامیدی و سختدلی‌شان پایان پذیرد. ندادن شهادت درباره عیسی به شخص بی‌ایمان، گناهی نابخشودنی است. ما همچنین دعوت شده‌ایم تا در روز خداوند برای کسان نیازمند و گروههای فقیر کارهای خیریه انجام دهیم.

در یکشنبه وقت کافی داریم تا خداوند را سپاس گوئیم، کاستی‌های خود را اعتراف کنیم و از جانب سایر مردم برای نیازهایشان شفاعت نماییم. و اگر خداوند به ما فرزندان بدهد، باید وقت قابل توجهی را با آنها بگذرانیم و سرودهای شورانگیز و مسرت‌بخش مسیحی با آنها بخوانیم. بیایید از عیسی بخواهیم که به ما کمک کند تا سه درخواست دعا را که در آغاز دعای ربانی آمده است به ویژه در یکشنبه‌ها انجام دهیم. اگر یکشنبه را نگه داریم، خجسته خواهیم شد. عیسی برکات فراوان را برای کسانی آماده کرده است که در جستجوی لبریز شدن از روح مسیح قیام کرده از مردگان، در روز یکشنبه هستند.

۶. بی‌حرمتی کردن به یکشنبه

فاجعه‌آمیز است که مردم در پایان هفته به نسبت سایر روزها گناه بیشتری مرتکب می‌شوند. خودروها فضای سبز بیرون شهر را آلوده می‌کند. ایستگاههای پنخش تلویزیونی در یکشنبه‌ها تنها وقت کوتاهی را برای سخنان خدا در نظر می‌گیرد، در حالی که بیشترین وقت در اختیار فیلمهای ترسناک، هرزه‌نگاری یا نمایشهای جادویی است. برخی از مردم یکشنبه‌ها در خانه، باغچه، انبار یا گاراژ کار می‌کنند هنگامی که می‌توانند در روزهای دیگر هفته آن کار را انجام دهند.

در زمان عهد عتیق، اگر کسی در هنگام کارکردن در روز استراحت دستگیر می‌شد، او را به مرگ محکوم می‌کردند. اگر بتوانیم تمام گناہانی را ببینیم که انسانها در پایان هفته‌ها، هم آشکارا و هم پنهانی تنها در یک شهر انجام می‌دهند، قلوب ما خواهد شکست یا به شدت خشمگین خواهیم شد! تنها محبت خدا برخوردار از بردباری و شکیبایی زیاد است که منتظر گناهکاران می‌باشد تا از راههای بد خود بازگشت کنند.

آیا فراموش کرده‌اید آنچه خداوند درباره مردی می‌گوید که روز وی را بی‌حرمت می‌کرد؟ اگر خروج ۳۱ : ۱۴ - ۱۷ را بخوانیم، متوجه خواهیم شد که تا چه اندازه برای ما لازم است که در حضور خداوند آرام بگیریم و استراحت کنیم (اعداد ۱۵ : ۳۲ - ۳۶ را نیز مشاهده کنید تا نیاز برای نگه داشتن روز خداوند را درک کنید). چه بسا باید روش زندگی خود را دگرگون کنیم و برای نمونه از دانش آموزانی که در منزل داریم درخواست کنیم که تکالیف خود را در یکشنبه انجام ندهند. خداوند تهدید می‌کند که شهر یا روستایی را بسوزاند که سبب را در حکم روزی برای پرستش و استراحت، رعایت نمی‌کند (ارمیا ۱۷ : ۲۷). درباره این هشدار نباید خودپسند و مغرور باشیم. از کجا معلوم که جنگهای جهانی، بلایا و فجایع شدید پیامد چنین بی‌توجهی نیستند؟ کتابمقدس می‌گوید: «خود را فریب مدهید، خدا را استهزا نمی‌توان کرد؛ زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد» (غلاطیان ۶ : ۷). هیچ‌کس نمی‌تواند قانون خدا را بشکند و از مجازاتش بگریزد.

اگر عیسی برای گناهان ما بر روی صلیب نمی‌مُرد و به جای ما مجازات را بر دوش نمی‌گرفت بدون امید می‌بودیم. ولی مرگ او بهانه‌ای برای ما نیست که روز خداوند را بی‌حرمت کنیم. عیسی و شاگردانش همواره سبب را تقدیس نمودند. او زیست تا پدرش را جلال دهد. پس از رستاخیزش در نخستین روز هفته، عیسی به شاگردانش ظاهر شد تا جشن عهد تازه‌اش را با آنان برگزار کند.

۷. برداشت تازه از فرمان خدا

در خصوص اندیشیدن درباره شیوه نادرست برای نگه داشتن سبب، می‌توانیم ببینیم که چه آسان می‌شود این قانون خدا را اشتباه فهمید و بد تعبیر کرد. عیسی برای اینکه بیماران را در روز سبب شفا می‌داد و می‌گفت که پسر خداست، به مرگ محکوم شد، رهبران مذهبی که در آن زمان بودند برای وی مزاحمت ایجاد می‌کردند، زیرا در تعصب کور کورانه‌ای که به قانون موسی داشتند توانایی خود را برای محبت کردن به خدا و مردم از دست داده بودند. آنها ریاکارانه وانمود می‌کردند که پارسا بودند و گوش خود را به ندای توبه می‌بستند. در کوری روحانی که داشتند قلبهای خود را سخت نمودند. آنها آمادگی نداشتند تا فکرهای خود را تغییر دهند. آنها خدای پدر، پسر و روح‌القدس را نپذیرفتند. ایشان در سبب نگران شخص بیمار نبودند. از این رو، غیرتی که برای تکریم قانون روز سبب داشتند مبدل به ریاکاری و دورویی شده بود. شگفت‌آور نیست که عیسی می‌بایست درباره آنها بگوید: «این قوم به زبانهای خود به من تقرب می‌جویند، و به لبهای خویش مرا تمجید می‌نمایند، لیکن دلشان از من دور است. پس عبادت مرا عبث می‌کنند، زیرا که احکام مردم را به منزله فرایض تعلیم می‌دهند» (متی ۱۵ : ۸ - ۹).

در تلاش و تکاپویی که عیسی داشت تا راه درست تقدیس کردن روزخداوند را به ما آموزش دهد، او نگفت که کار بکنیم یا نکنیم، بلکه تأکید کرد که در برابر خدا رفتار قلوب ما درست باشد. پولس شناسانیدن همین برداشت از قانون خدا را در روح مسیح ادامه داد. با این همه، برای آموزش دادن اینکه ایمانداران غیر یهودی از عهد عتیق آزاد بودند، نفرین گردید و سنگسار شد. او به ما یاد داد که از محکومیت قانون خدا آزاد شده‌ایم، زیرا پیشتر به واسطه مرگ

مسیح، نسبت به آن قانون مُردیم. بنابراین، قانون خدا دیگر بر ما اقتدار ندارد. ولی روح القدس فرمان تازه محبتِ مسیح را در قلب ما نهاده است. این قانون تازه روحانی که در قلبهای ماست، ما را تقدیس می‌کند و برمی‌انگیزاند که خدای تثلیث را با تمام افکار، سخنان و رفتارمان ستایش کنیم. پس دیگر قانون خدا بر دوش ما سنگینی ایجاد نمی‌کند، بلکه در ما سببِ پشیمانی و ایمان در قدرت روح القدس می‌شود. باید به خاطر بسپاریم که مسیح مردم را تقدیس می‌کند، نه روزها را! بدین ترتیب، از برداشتی که نسبت به چهارمین فرمان داریم، تفاوت اساسی بین عهد جدید و عهد عتیق را یاد گرفتیم.

۸. جمعه برای مسلمانان

با انتخاب کردن روز جمعه برای گردهمایی‌های مهم مذهبی، مسلمانان نشان دادند که مفهوم چهارمین فرمان را درک نکردند و نه آن را به انجام رساندند. هنگامی که یهودیان و مسیحیان پیامبری محمد و دعوت او را برای مسلمان شدن رد کردند، وی قدمی دیگر برداشت. او نه با یهودیان درباره روز شنبه موافق شد و نه با مسیحیان در خصوص روز یکشنبه به توافق رسید. در تلاش برای برقرار کردن عقیده خودش، فرمان عهد عتیق و جدید را نپذیرفت و به جای آن، جمعه را در حکم روز گردهمایی برای مسلمان برگزید. برای روز جمعه هیچ‌گونه تأییدی در کتاب مقدس نیست، و نه ارتباطی با نقشه رستگاری انسان دارد. در واقع، برخاسته از نافرمانی و شورش بر ضد خدا و مسیحی‌های اوست. به هیچ وجه جمعه زمینه یا تأیید کتاب مقدسی ندارد.

پس از نماز جمعه، مسلمانان بی‌درنگ به سر کارهایشان برمی‌گردند. سخنرانی‌ها در مساجد بیشتر سیاسی است. اتفاقی نیست که پس از آن سخنرانی‌ها تظاهرات همراه با آشوبهای نفرت‌انگیز و خرابی به راه می‌افتد. تقدیس یک روز ویژه یا تقدیس خود ایماندار برای عبادت کنندگان مسلمان همچنان ناشناخته است. الله به قدری بزرگ در نظر گرفته می‌شود که محتوای قدوسیت او به غیر از نامش، برای مسلمانان ناشناخته است. این مسأله نشان می‌دهد که تا آنجایی که چهارمین فرمان مد نظر است چرا جایگاه اسلام بسیار پایین‌تر از سطح پیمان قدیم است. آنها کمترین پنداری از رستگاری و آفرینش تازه در عهد جدید ندارند.

ولی ما آن یگانه را که از میان مردگان برخاسته سپاس می‌گوییم، زیرا او معجزات و فرج‌دهای خویش را در سبب و سایر روزهای هفته انجام داد. در نخستین روز هفته او از مرگ قیام کرد و مفهومی کاملاً تازه به آن روز بخشید. بلی، هر یکشنبه سرآغازی برای هر هفته جدید خواهد بود که با سخنان احیا کننده خداوندمان درخشان می‌شود: «به شما حکمی تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمایید، چنانکه من شما را محبت نمودم، تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید. به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید، اگر محبت یکدیگر را داشته باشید» (یوحنا ۱۳ : ۳۴ - ۳۵).